

که در این میان افزایش تعداد استان‌هایی که عاری از کشت خشخاش هستند، می‌تواند گواهی باشد بر گفته فوق. اما در کنار تمام مشکلات و تبعات منفی اجتماعی و اقتصادی که از تولید مخدر به وجود می‌آید، فرار سرمایه درد دیگری است که اقتصاد افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، چراکه غالب قاچاقچیان مخدر در افغانستان برای فرار از قانون، سرمایه‌های به دست آورده خود را روانه بازارهای خارجی می‌کنند و از این منظر، متغیرهای کلان تأثیرگذار بر اقتصاد نظیر اشتغال و درآمد‌های سرانه را دچار افول می‌کنند. همچنین درصد بالای تولید مخدر در افغانستان، خود به منزله عدم نظارت مناسب از سوی دولت و فقدان اقتصادی قانون‌مدار است که این مسأله، مانعی بزرگ برای ورود سرمایه به افغانستان خواهد بود. ■

معادل ۲۴۵ میلیون دلار درآمد حاصل از کشت خشخاش در افغانستان بوده است. این رقم نسبت به سال ۲۰۰۸ میلادی از کاهش ۱۷/۵ درصدی حکایت دارد. حال آن که این ارقام تنها قیمت و درآمد به اصطلاح "سر زمین" در افغانستان است. اختلاف قیمت در بسیاری از کشورهای اروپایی و آمریکا با قیمت سر زمین افغانستان، گاهاً به ۱۰۰ برابر می‌رسد که با این حساب، شدت تأثیرگذاری این تجارت مرگبار در اقتصاد بین‌الملل مشخص می‌شود. در حال حاضر درآمد ناشی از تجارت تریاک در جهان معادل ۶۵ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود که تقریباً حدود نیم درصد کل تجارت جهان است. همان‌طور که اشاره شد، در چند سال گذشته، به دلیل سیاست‌های کشورهای مختلف دنیا جهت مبارزه علیه مواد مخدر، شاهد کاهش تولید آن در افغانستان بوده‌ایم

تجارت ایران و افغانستان

بکر اما فرار

فقدان سیاست‌های تحلیل بازار و عدم ثبات در افغانستان، دو تهدید عمده بازار بکر این کشور برای ما محسوب می‌شوند.



و شکل‌گیری دولت موقت حامد کرزی که تا حدودی به رفع موانع دمکراسی در این کشور انجامید، حجم صادرات ایران به افغانستان افزایش یافت. علاوه بر این، به دلیل حمایت‌های قانونی دولت افغانستان از تجار خارجی و افزایش تقاضای کالا در این کشور، حجم صادرات ایران در سال ۲۰۰۵ نسبت به سال قبلی خود با یک جهش خیره‌کننده ۱۳۹ درصدی، به رقم ۴۹۶ میلیون و ۷۲۹ هزار و ۷۴۴ دلار رسید. در طرف مقابل صادرات، واردات ایران از افغانستان نیز روندی مشابه و تقریباً با همان شیب را پیموده، با این تفاوت که واردات نسبت به صادرات از یک تأخیر زمانی یک‌ساله برخوردار بوده است. به تحلیل کارشناسان «اقتصاد ایران»، این مسأله به کشتش بازارهای صادراتی و وارداتی دو کشور برمی‌گردد. بر این اساس با در نظر گرفتن رشد بالای صادرات ایران به افغانستان در سال ۲۰۰۵ و واردات ایران از افغانستان نیز با یک‌سال تأخیر در سال ۲۰۰۶ و با جهشی ۱۷۴ درصدی به رقم ۸ میلیون و ۸۸۵ هزار و ۴۰۵ دلار رسید.

در حال حاضر، افغانستان نیاز بسیار زیادی به سرمایه دارد. دولت افغانستان می‌باید با برقراری امنیت سرمایه‌پذیری، راه ورود سرمایه به این کشور را هموار کند. با افزایش حجم سرمایه و هدایت آنها به بخش کشاورزی، کشت و رزق در افغانستان رشد می‌کند. این افزایش تولید در بخش کشاورزی، قطعاً به افزایش تقاضای نیروی کار منجر خواهد شد و علاوه بر ارزآوری، عاملی جهت تشویق بازگشت نیروی کار افغانی مهاجر نیز خواهد شد. ◀

بر اساس گزارش سازمان توسعه تجارت، واردات کشورمان از افغانستان در هشت‌ماهه اول سال ۸۸ رقمی معادل ۴ میلیون و ۸۷ هزار و ۹۷۲ دلار بوده که در رده‌بندی تجارت کشورهای دنیا با ایران، این رقم جایگاه ۷۵ جهانی را در میان ۱۵۵ کشور به افغان‌ها اختصاص داده است. در حال حاضر، در میان حجم ۳۲ میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلاری واردات ایران از کشورهای طرف تجاری خود، افغانستان سهمی ۰/۰۱۵ درصدی را در اختیار دارد. همچنین رقم صادراتی ایران به افغانستان در همین بازه زمانی، نشان از حجم ۶۰۴ میلیون و ۹۹ هزار و ۳۶۵ دلاری دارد که در مقایسه با واردات، حجم به نسبت بالاتری است. مقایسه روند صادراتی ایران به افغانستان در دهه جاری نشان می‌دهد صادرات ایران به افغانستان در سال ۲۰۰۲ با یک جهش مواجه شده و نسبت به سال ۲۰۰۱ رشدی معادل ۱۸۹ درصد را تجربه کرده است، اما پس از آن، رشد صادرات ایران به افغانستان در دو سال متوالی ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به ارقام ۷۳ و منفی ۱۵ درصد رسیده است. دلیل این نوسانات را می‌توان به درگیری‌های نظامی طالبان و آمریکا در این منطقه نسبت داد. پس از سقوط طالبان

بر اساس گزارش سازمان توسعه تجارت، واردات کشورمان از افغانستان در هشت‌ماهه اول سال ۸۸ رقمی معادل ۴ میلیون و ۸۷ هزار و ۹۷۲ دلار بوده که در رده‌بندی تجارت کشورهای دنیا با ایران، این رقم جایگاه ۷۵ جهانی را در میان ۱۵۵ کشور به افغان‌ها اختصاص داده است. در حال حاضر، در میان حجم ۳۲ میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلاری واردات ایران از کشورهای طرف تجاری خود، افغانستان سهمی ۰/۰۱۵ درصدی را در اختیار دارد. همچنین رقم صادراتی ایران به افغانستان در همین بازه زمانی، نشان از حجم ۶۰۴ میلیون و ۹۹ هزار و ۳۶۵ دلاری دارد که در مقایسه با واردات، حجم به نسبت بالاتری است. مقایسه روند صادراتی ایران به افغانستان در دهه جاری نشان می‌دهد صادرات ایران به افغانستان در سال ۲۰۰۲ با یک جهش مواجه شده و نسبت به سال ۲۰۰۱ رشدی معادل ۱۸۹ درصد را تجربه کرده است، اما پس از آن، رشد صادرات ایران به افغانستان در دو سال متوالی ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ به ارقام ۷۳ و منفی ۱۵ درصد رسیده است. دلیل این نوسانات را می‌توان به درگیری‌های نظامی طالبان و آمریکا در این منطقه نسبت داد. پس از سقوط طالبان

مشکلات هم‌مرزی

متأسفانه یکی از مشکلاتی که همواره ایران را از هم‌مرزی با افغانستان آزار داده، مسأله مربوط به ورود قاچاق از افغانستان به ایران بوده است. از آنجا که افغانستان باید انتقال مواد مخدر خود به کشورهای جهان را از ایران ترانزیت کند، علاوه بر هزینه‌های زیادی که برای نظارت بر این مسأله به اقتصاد ایران تحمیل می‌شود، متأسفانه بخشی از مواد مخدر وارد شده به ایران، در کشور توزیع می‌شود و اثرات منفی آن بر نیروی کار، بار منفی اجتماعی و اقتصادی زیادی بر کشور وارد می‌سازد که قابل چشم‌پوشی نیست. بر اساس گزارش شبکه اطلاع‌رسانی افغانستان، طاهای طاهری، جانشین دبیر کل ستاد مبارزه با

حجم تجارت ایران و افغانستان

سال	صادرات ایران	واردات ایران
۲۰۰۱	۵۱,۹۲۷,۹۱۸	۷۳۹,۲۱۹
۲۰۰۲	۱۵۰,۰۶۹,۳۰۰	۵۰۴,۱۲۶
۲۰۰۳	۲۵۹,۹۰۱,۴۹۳	۱,۸۰۳,۳۶۵
۲۰۰۴	۲۲۱,۹۷۶,۵۱۶	۳,۶۴۱,۳۶۹
۲۰۰۵	۴۹۶,۲۲۹,۷۴۴	۳,۳۴۵,۲۵۳
۲۰۰۶	۵۱۵,۴۹۱,۹۸۰	۸,۸۸۵,۴۰۵
۲۰۰۷	۵۴۲,۶۸۱,۷۲۰	۸,۹۳۶,۱۰۸
۲۰۰۸	۵۹۰,۳۳۹,۵۲۳	۹,۹۴۹,۴۷۸

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از سازمان توسعه تجارت

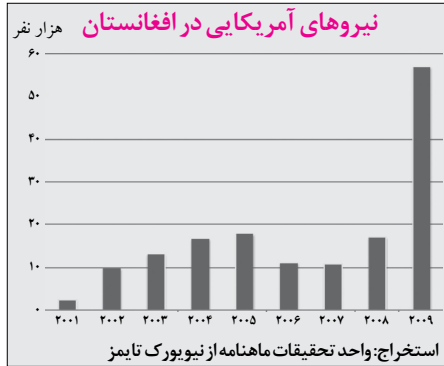
می‌کنند، نمی‌توانند برای مقاصد خود از مردمی که اشتغال ندارند بهره ببرند. در نتیجه می‌بینید که به دلیل عدم اشتغال و درآمد و اقتصادی قوی، وضعیت امنیتی در افغانستان به افول می‌گراید. اگر اقتصاد بهبود یابد، امنیت به وجود می‌آید و اگر مشکلات امنیتی مرتفع شوند، اقتصاد ترمیم می‌یابد.

اقتصاد ایران: اقتصاد افغانستان بیشتر بر پایه کشاورزی گردش دارد. مشکلات این بخش را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

لازم می‌دانم این مسأله را خدمت‌تان عرض کنم که اقتصاد افغانستان بر پایه دامداری و کشاورزی استوار است و حتی دامداری به دلیل آن که بخش اعظمی از افغانستان را مناطق کوهستانی فرا گرفته است، در رکن اول اقتصادی افغانستان قرار دارد و کشاورزی پس از آن قرار می‌گیرد. دامداری به همان دلیل کوهستانی بودن کشور از ظرفیت و پتانسیل بالایی برخوردار است. همچنین مزارع کشاورزی که شما هم به آن اشاره داشتید، بیشتر در بخش شمالی افغانستان قرار دارند. متأسفانه مشکل بزرگ این دو بخش در آن است که هر دو به صورت سنتی اداره می‌شوند و نه کشاورزی و نه دامداری، هیچ‌کدام مدرنیزه نشده‌اند. علاوه بر این، مشکلاتی که در بخش فروش افغانستان وجود دارد، سبب شده همان تولید اندک هم روی دست کشاورز و دامدار بماند، چراکه هیچ نهاد و سازمانی وجود ندارد که در بازار آنها را عرضه کند و به فروش برساند. عدم حمایت از کشاورزان برای فروش کالاهایشان سبب شده آنها نتوانند معیشت خود را تأمین کنند و متأسفانه به دلیل فروش بهتر مواد مخدر - علیرغم آن که اکثر مردم افغانستان شیعه بوده و مواد مخدر را حرام می‌دانند - به سمت کشت خشخاش کشیده شده‌اند. خود این مسأله تأثیر منفی مضاعفی بر کشاورزی و دامداری سنتی که خود در مضیقه هستند، دارد.

اقتصاد ایران: در میان صحبت‌هایتان به افیون و تجارت مافیایی آن اشاره داشتید. در حال حاضر مبارزه با مواد مخدر از مهمترین مسائلی است که جوامع جهانی به آن توجه می‌کنند. تحلیل حضرت‌تعالی از این موضوع چیست؟

برای رفع این مشکل هم عزم ملی لازم است و هم عزم بین‌المللی و متأسفانه در هیچ طرف این عزم به صورت جدی وجود ندارد، چراکه در هر دو طرف سودهای کلانی نصیب عده‌ای می‌شود. توجه داشته باشید که نیروی داخلی به هیچ‌وجه نمی‌تواند مخدر را از مرز خارج کند و به خارج بفرستد، مگر آن که نیرویی از خارج وجود داشته باشد که آن را



ورود کالاهای بی‌کیفیت چینی به ایران به وجود آورده که با توجه به حجم بسیار بالای واردات ایران از این کشور، به طور حتم درصدی از آن به صورت زمینی و قاچاق وارد ایران می‌شود که این مسأله با گسترش اقتصاد زیرزمینی، اقتصاد کشور را بیش از پیش متزلزل می‌نماید که این امر، همت مردم و مسؤولان دولتی را برای مبارزه با آن طلب می‌کند. ■

علل ناکامی اقتصادی افغانستان

چوب‌های خارجی لای چرخ اقتصاد

مصاحبه «اقتصاد ایران» با آقای سید عیسی حسینی مزاری، مدیر عامل خبرگزاری صدای افغان



اقتصاد ایران: مهمترین مشکلات حال حاضر اقتصاد افغانستان را در چه مسائلی می‌دانید؟

مهمترین مشکل فعلی افغانستان در مسأله ناامنی است. وقتی امنیت در کشور وجود نداشته باشد، هیچ عرصه‌ای در اقتصاد نمی‌تواند فعالیت داشته باشد. ناامنی موجب می‌شود سرمایه‌گذار بخش خصوصی که نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد، از سرمایه‌گذاری بترسد و سرمایه خود را به خطر نیندازد. علاوه بر این، دولت نمی‌تواند اقدامات اصولی برای توسعه کشور انجام دهد و نتیجه این مسأله، عدم توسعه و بیش از پیش شدن مشکلات اقتصادی افغانستان خواهد بود. علاوه بر مشکلات فوق در حال حاضر،

مردم و دولت در افغانستان تصمیم‌گیرنده نیستند و کشورهای خارجی هم که در افغانستان وجود دارند، مطابق مصالح مردم افغانستان کار نمی‌کنند و به جرأت می‌توان خارجیانی را که در افغانستان حضور دارند به "چوب لای چرخ" تشبیه کرد. خارجیانی عملاً دوست دارند که اقتصاد افغانستان عقب‌مانده باشد و وضعیت معیشتی مردم بهبود نیابد، چراکه در غیر این صورت به مقاصد خود نمی‌رسند. دو مسأله اقتصاد و امنیت در افغانستان کاملاً به هم وابسته‌اند. اگر مردم بتوانند زندگی خود را بچرخانند، اقتصاد بهبود یابد و در کشور اشتغال‌زایی صورت پذیرد، دیگر گروه‌های مخالف دولت و افراطیونی که از مردم سوءاستفاده